

## کولی جادو فروش

می‌رسد آهنگ لبخندش به گوش  
می‌روم از هوش و می‌آیم به هوش  
هلهله‌ست این‌های و هو یا زلزله‌ست؟!  
صویراسرافیل یا بانگ سروش؟!  
رفت و آمد بین مرگ و زندگی‌ست  
انتظار از کولی جادو فروش!  
مرگ را آورد اکنون پیش چشم  
ترس را انداخت اما پشت گوش  
زهر در جام است و می‌گوید مدام  
هرچه می‌خواهد دل تنگت بنوش  
مانده‌ام مانند رؤیاهای گنگ  
تلخ شیرین‌گونه، گویای خموش  
می‌کشم یک ساغر و سرمی‌کشد  
شعله‌های آتشی پر جنب و جوش  
باز هم گل می‌کند در من حیات  
می‌روم از هوش و می‌آیم به هوش

